

متن پیاده سازی شده جلسه چهارم خارج اصول فقه (دور دوم) 11 دی ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از تراث گرانقدر اسلام، خطبه فدکیه حضرت زهرا سلام الله علیها است. در بخشی از این خطبه حضرت به فلسفه احکام اشاره می کنند و به 25 مجعول شرعی به همراه فلسفه آن اشاره می کنند و از اینجا شروع می کنند که «ففرض الله علیکم الایمان تطهیراً لکم من الشریک» و بعد به نماز و روزه و زکات و حج و جهاد اشاره می کنند و در بند هفتم می فرمایند «طاعتنا نظاماً للملة و امامتنا لماً للفرقة» همین قسمت از خطبه گنج نا پیدا کرانه ای است. کتاب دانشنامه فاطمی چند سالی است که به چاپ رسیده در شش جلد، در جلد سوم مقاله ای را ما داریم که درباره فلسفه احکام در خطبه فدکیه است. در نهج البلاغه بخش حکمت ها شماره 252 هم امیر مومنان بیست مورد را اشاره می کنند ولی آنچه را که صدیقه طاهره سلام الله علیها اشاره می کنند با آنچه امیر مومنان اشاره میکنند عام و خاص من وجه است.

حضرت در این خطبه اشاره می کنند به واجب الاطاعه بودن اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین و امامت اهل بیت (ع). شاید بتوان گفت که واجب الاطاعه بودن غیر از امامت است. امامت از سنخ زعامت است و عمدتاً بخش سیاسی دارد حد اقل در این خطبه به قرینه بعدی که در کلام حضرت هست این مطلب فهمیده می شود اما واجب الاطاعه بودن جنبه علمی و نظری دارد.

کسی می تواند به عظمت این فرمایش و معنای نهاد طاعت و امامت برسد که قدری با فلسفه حقوق دنیا آشنا باشد. ما وقتی نظام استنباط و گفتگو و فلسفه فقه را در شریعت مطهر مقایسه می کنیم با آنچه که در دنیا هست خیلی تفاوت زیاد است. در غرب وقتی یک بحث علمی بدون اغراض شخصی و سیاسی هم مطرح می شود هیچ قراری در آن نیست و هر کسی مانند بازار مسگرها روی نظر خود می کوبد. امامت و طاعت نقش مقصد و فصل الخطاب را دارد. اگر کسی در قطاری مسافر باشد که معلوم نیست به کجا می رود و کی می رسد هر چقدر هم در قطار خوش بگذرد کام مسافر تلخ است اما اگر بگویند ساعت هشت صبح به مشهد می رسد اگر در قطار سختی هم باشد به راحتی تحمل می شود. هدف و فصل الخطاب که با محوریت اهل بیت باشد دین و آئین و ملت سامان پیدا می کند و مایه تجمیع می شود. خدای متعال نگذرد از کسانی که نگذاشتند امامت در آن ریلی که پیامبر اعظم (ص) قرار داده بودند بماند که اگر می ماند امروز انسان گرفتار نبود نه اینکه فقط مسلمانان گرفتار نباشند.

از مثل این حدیث شریف استفاده می شود که امامت اصل است نه فرع. این موضوع ادله قرآنی و روایی دارد که امامت از اصول دین است.

نکته دیگر اینکه این اعتقاد کارکرد نظام بخشی دارد و مایه تجمیع است. از این کلام استفاده کنیم برای خود و ببینیم در زندگی شخصی خود آیا سندی داریم آیا برنامه راه داریم؟ امیر مومنان علی ع فرمودند قوام العیش حُسن التقدیر (حضرت سخن از زندگی می کنند. حسن التقدیر به زبان امروزی می شود برنامه چشم انداز که آن هم حسن باشد) و ملاکه حسن التدبیر (و ملاک این حسن تقدیر حسن تدبیر است) تقدیر به عنوان برنامه ریزی است و تدبیر اجرایی کردن برنامه ریزی در عرصه عمل است. این حسن التدبیر و حسن التقدیر اگر در زندگی شخصی ما نباشد سرایت می کند به نظام و حکومت و اداره کشور. ما باید در زندگی علمی و زندگی شخصی و اجتماعی خود برنامه داشتیم که این برنامه بر اساس حسن التقدیر و حسن التدبیر باشد.

